

در میان اصولیون، اختلاف است که مراد از صحّت در عنوان بحث آیا «صحّت من حیث الاجزاء و الشرائط» است و یا صحّت من حیث الاجزاء فقط. و اگر شرایط نیز مطرح هستند آیا همه شرایط در بحث داخل هستند و یا برخی از آنها.

بحث در حقیقت آن است که وقتی می‌گوییم صلوة برای «نماز صحیح» وضع شده است مرادمان نمازی است که همه اجزاء و همه شرایط حتی قصد قربت را داراست و یا مرادمان نمازی است که اجزایش تامّ است اگرچه شرایط را نداشته باشد و یا مرادمان نمازی است که اجزایش تامّ است و همه شرایط را هم دارد غیر از قصد قربت را.

در تشریح بحث لازم است مقدمهٔ اشاره کنیم که ما در شرع با سه دسته شرط مواجه هستیم:

در این باره حضرت امام می‌فرمایند:

«و أمّا الشرائط فهی علی أقسام: منها: ما هی قابلة لأن يتعلّق بها الأمر، و تعلق الأمر بها بالفعل أيضاً كالستر و

الاستقبال. و منها: ما يمكن تعلق الأمر بها، لكن لم يتعلّق بها بالفعل؛ لكونها شروطاً عقلية محضة، كاشتراط عدم

مزاخمة الأمور به بضده الأهمّ، و نحو ذلك. و منها: ما لا يمكن تعلق الأمر بها، كقصد الوجه و الامتثال.»<sup>۱</sup>

توضیح :

(۱) نوع اول شرایط آن دسته هستند که هم امکان تعلق امر به آنها وجود دارد و هم امر به آنها تعلق گرفته است مثل ستر و استقبال.

(۲) نوع دوم شرایط آن دسته هستند که: امکان تعلق امر به آنها وجود دارد ولی امر به آنها تعلق نگرفته بلکه اینها شروط عقلی محض هستند مثل اشتراط عدم مزاخمت با ضدّ اهم یا اشتراط عدم نهی. [در اینجا شارع می‌توانست بگوید نمازی را به جای بیاور که مزاحم با مأمور به دیگری نباشد یا منهی عنه نشده باشد، ولی این را نفرمود و عقل است که در اینجا این شرطیت را مطرح کرد]

(۳) نوع سوم شرایط آن دسته هستند که امکان ندارد امر به آنها تعلق بگیرد مثل قصد وجه و قصد امتثال امر [چراکه شارع نمی‌تواند به «صلوة همراه با قصد امتثال به امر به صلوة» امر کند چراکه «صلوة» به تنهایی امر ندارد تا قصد امتثال امر به آن را داشته باشیم. بلکه صلوة مقید به قصد امتثال امر دارد.]

پس از تبیین مطلب لازم است بگوییم که در میان اصولیون ۳ مبنا وجود دارد:

مبنای اول: مبنای امام خمینی: نزاع در این است که صحّت به معنای «صحّت من حیث الاجزاء و الشرائط کلّها»

۱. تنقیح الأصول، ج ۱ ص ۱۰۱



است. این مبنا را به مرحوم آخوند نسبت داده اند.<sup>۱</sup> هم چنین مرحوم امام بر این باورند که این قول، قول مشهور اصولیون است.<sup>۲</sup>

مبنای دوم: مبنای مرحوم نائینی: نزاع در این است که صحّت به معنای «صحّت من حیث الاجزاء و الشرايط الا قصد الامتثال» است.

مبنای سوم: نزاع در این است که صحّت به معنای «صحّت من حیث الاجزاء فقط» است. (این مبنا به شیخ اعظم انصاری نسبت داده شده است<sup>۳</sup> در حالیکه این نسبت غلط است<sup>۴</sup>. البته مرحوم صاحب فصول این قول را به «متأخری المتأخرین» نسبت داده است.<sup>۵</sup> و شیخ انصاری نیز این قول را به «شیخنا دام علاه» نسبت داده است و می فرماید که استاد ما به این قول میل داشته و یا در آن توقف داشته است.

اللهم إلا أن يقال: مراد از عبارت: «بظهر من شیخنا دام علاه»، شیخ انصاری است و عبارت، بیان مرحوم کلانتر است و لذا شیخ انصاری به این قول میل داشته اند)

نکته دیگر آنکه این قول را میرزای شیرازی به وحید بهبهانی نسبت داده است<sup>۶</sup> در حالیکه محقق کتاب می نویسد این مطلب در کلمات وحید بهبهانی یافت نشده بلکه عکس آن موجود است.



۱. تنقیح الاصول، ج ۱ ص ۱۰۱

۲. مناهج الوصول، ج ۱ ص ۱۴۶ / همچنین ن ک: الفصول الغروية، ص ۴۸

۳. اصول فقه شیعه، ج ۱ ص ۵۰

۴. ن ک: مطارح الانظار، ج ۱ ص ۱۰۱

۵. الفصول، ص ۵۲

۶. تقریرات مجدد شیرازی، ج ۱ ص ۳۱۶ و ۳۲۹